

۱  
 استاد صدرالدین عینی  
 کون صد ساله آمد، اما جوانه  
 به گلزار نمرودی و دانش  
 بهار بی خزانده  
 نه تنها یک نمرود بزرگ آمد  
 شو همگن آزاد گمانده  
 که گفتند با گرفت آفرینان  
 شو با رنج بخت پیمان  
 برای روز بزرگ بود خود؟  
 برای آنکه در نه بخارا  
 و صد ساله رگر  
 مانند ظلمت و ظلم سنگر  
 شو با «مارس آزادی» یادید  
 قدم در راه یک دوران بهر

مقدم در دستمال شسته تا آن که

به سهی قدرت ارزنده گردد .

۴ در صفحه ی تاریخ تا جسد

از این رو نام خود را از تنده کرده

وزای رو در حال ما ننده بستند .

۴ امروز ما ما ننده و فردا

سالی مردم آن ننده بستند .

۴ ۴ ۴

۱۹۷۸ لورد